

## بررسی مضامین شعر عاشورایی، در اشعار شاعران فارسی گوی و عرب در قرن دهم

طیبه امیریان<sup>۱</sup>

مژگان رحمانی<sup>۲</sup>

### چکیده:

ادبیات تطبیقی، یکی از شاخه‌های نقد ادبی نوین است که در درون خود، دلالت و مفهومی تاریخی دارد. این گونه‌ی ادبی، به پژوهش، در موارد تلاقی ادبیات، در زبان‌های مختلف و یافتن پیوندهای پیچیده و متعدد ادب، در گذشته و حال و به طور کلی، ارائه‌ی نقشی که پیوندهای تاریخی، در تأثیر و تأثر با یکدیگر داشته‌اند، می‌پردازد. پژوهش، در شناخت جنبه‌های مشترک ادبی، در میان ادبیات گوناگون ملل، نه تنها سبب پیوند میان ملّت‌ها و دولت‌ها می‌شود؛ بلکه آن را از دو سطح بومی و محلی بیرون می‌آورد و به آن، چهره‌ای جهانی می‌بخشد. ادبیات عاشورایی، گونه‌ای از ادب آیینی به شمار می‌آید که موضوع آن، داستان نینوا و بیان رخداد‌های سرزمین کربلا و شهادت حسین بن علی، است. این نوع ادبی، در قرن دهم هجری، به دلیل حمایت‌های دولت صفوی، زمینه‌های رشد و تعالی بسیاری از شاعران فارسی‌گوی را همچون وحشی بافقی، بابا فغانی، محتشم کاشانی و... فراهم ساخت که بنا بر معتقدات خویش و بر پایه‌ی مذهب رسمی آن زمان، به پیروی از شاعران عرب، همچون السیدحسین الغریفی، مفلح بن الحسن الصیمری و...، به بیان مناقب سالار شهیدان، رشادت‌های یاران ایشان و رخداد‌های ناگوار عرصه‌ی کربلا پرداختند و در سروده‌هایشان به سوگواری روی آوردند. این امر، طبیعی می‌نماید که مضامین مشترکی در غم سروده‌های شاعران معاصر هر دو ادبیات، در دوره‌ی مذکور یافت شود. در این راستا، در شعر شاعران هر دو ملت، در این دوره، مضامینی چون: ظلم ستیزی، تقدس‌گرایی، اسطوره‌گرایی، ترویج فرهنگ شهادت و... یافت می‌شود. معاصر با شاعران دوره صفوی، در میان ادیبان عرب زبان، شاعرانی هستند که در سروده‌های آنان، این مضامین، نیز یافت می‌شود. در این مقاله، به روش توصیفی-تحلیلی، تطبیقی به بررسی و تطبیق این مضامین، پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** ادب آیینی، ادب عاشورایی، بررسی تطبیقی، شعر شیعی، عصر صفوی، قرن دهم.

### مقدمه

ادبیات تطبیقی (Comparative Literature)، امروزه، به عنوان یکی از حوزه‌های جدید نقد ادبی، دارای دلالت و کارکردی تاریخی نیز می‌باشد. این دانش، به مطالعه و بررسی «موارد تلاقی ادبیات، در زبان‌های مختلف، یافتن پیوندهای پیچیده و متعدد ادب، در گذشته و حال، و به طور کلی نقشی که پیوندهای تاریخی در تأثیر و تأثر داشته است، چه از جنبه‌های اصول فنی در انواع مکاتب ادبی و چه از دیدگاه جریان‌های فکری» (غنی‌می هلال، ۱۳۷۳: ۳۲) و این دانش همچنین به «بررسی تاریخ روابط ادبی-بین‌المللی ملت‌ها» می‌پردازد (طه‌ن‌دا، ۱۳۸۳: ۵۴)؛ لذا این ویژگی ادبیات تطبیقی، این امکان را فراهم می‌آورد که هرگاه دو ملّت، در زمینه‌های مختلف علمی، ادبی و فرهنگی، از یکدیگر تأثیر پذیرفته باشند، به شناخت و مطالعه‌ی مقایسه‌ای میان آثار موجود در دو سرزمین بپردازد. و این امر، به کشف و رونمایی از ریشه‌ها و جنبه‌های مشترک، از موارد ادبی مشترک بین ملّت‌ها می‌پردازد که منجر به محکم‌تر شدن ارتباط ملّت‌های بشری در طول زمان‌های متعدد می‌شود و نه تنها، ادبیات را از یک سطح بومی و ملّی بیرون می‌آورد؛ بلکه آن را در یک سطح جهانی و فراگیرتر قرار می‌دهد، همچنین به حفظ و ماندگاری آن آثار، منجر می‌شود. مطالعه‌ی میان آثار ادبی ملل ایران و عرب و شناخت ویژگی‌های مشترک میان آن‌ها، یکی از جنبه‌های مهم ادبیات تطبیقی، به شمار می‌آید.

ادبیات آیینی یا عاشورایی، یکی از گونه‌های مشترک ادب متعهد، میان دو ادب عربی و فارسی است که از لحظه‌ی خلق حماسه‌ی عظیم عاشورا، به دست ابر مرد تاریخ، امام حسین (ع) و یارانش، تاکنون در میان آثار ادبی ادیبان این دو ملّت به زیبایی درخشیده است؛ به گونه‌ای که از تأثیر این گونه‌ی ادبی، بر گستره‌ی تاریخ ادبیات عربی و فارسی

نمی‌توان چشم پوشی کرد. عاشورا، این حادثه‌ی عظیم و تکرار ناشدنی تاریخ، اگر چه در یک صبح تا ظهر یا نیم روز خلاصه می‌شود؛ اما آثار و اهداف این حرکت بزرگ تاریخی، از لحظه‌ی خلق و پیدایش آن، تا کنون در عالم برقرار و زنده مانده است و این حرکت عظیم، تأثیر قابل ملاحظه‌ای را در ادبیات عربی و فارسی و نیز خلق آثار ادبی، و ایجاد جوشش و حرکت در خوانندگان داشته است؛ زیرا صاحب این حرکت عظیم - حسین (ع) - «یک شخصیت حماسی است؛ اما حماسه‌ی انسانیّت، حماسه‌ی بشریّت، نه حماسه‌ی قومیت. سخن حسین (ع)، عمل حسین (ع)، حادثه حسین (ع)، روح حسین (ع)، همه چیز حسین، حرکت است و هیجان است، تحریک است، درس است، القای نیرو است» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۷) بدون شک ادبیات عاشورایی، از غنی‌ترین و شورانگیزترین و حماسی‌ترین میراث فکری و معنوی شیعه، به شمار می‌آید. ادبیات عاشورایی، تنها ادبیات ماتم و سوگ و اندوه و حزن و اشک نیست، ادبیات حماسه و قیام است و به دیگر سخن، ادبیات «هیهات من الذّله» است و یک سرچشمه‌ی همیشه جوشانی است که منبع الهام بسیاری از ادیبان عربی و فارسی دوستدار اهل بیت قرار گرفته است. «جایگاه» شعر عاشورا در میان شعر شیعی، همچون نگینی درخشان در حلقه‌ی ادبیات مکتبی است. ورود حماسه‌ی کربلا، به حیطه‌ی شعر و ادب، یکی از عوامل ماندگاری و پایایی آن نهضت است» (حجازی، ۱۳۸۷: ۲۰۱). و چه بسا ادیبانی، از سرزمین‌های عرب و فارس که در طول تاریخ، شهرت خویش را مدیون غم سروده‌های عاشورایی، در بیان حماسه‌ی عظیم عاشورا هستند، کسانی همچون محتشم کاشانی و دعبل خزاعی، که به بیان آرمان‌های والای تفکر حسینی، پرداختند و به دفاع از حق در برابر باطل، بسیج شدند.

در قلمرو ادبیات فارسی، ندهای سوزناک و انوار تابناک مرثیه‌های مذهبی، در سوگواری امام حسین (ع) و شهدای کربلا، در قرن دهم هجری قابل توجه می‌باشد. در عصر صفوی، به دلیل حاکمیت حکومت شیعی و حاکمان شیعه مذهب صفوی، فضای بازی، برای پرورش و سرایش شعر شیعی، از جمله شعر عاشورایی، برای شاعران فراهم شد. به تعبیر ذبیح الله صفا: «با ابراز علاقه به خاندان رسالت، از احساسات و عواطف ایرانیان، نسبت به ائمه‌ی اطهار، به خوبی استفاده کرد و کار دولت خود را به سرعت پیش برد. دولتی که اقبال و پایداری خود را در ترویج گرایش مذهبی شیعه می‌دانست، با دریافتی دقیق، به تبلیغ بزرگترین نماد اظهار و ابراز شیعه‌گری؛ یعنی واقعه‌ی عاشورا پرداخت و بدین سبب، مرثیه سرایی و منقبت خوانی، خود به خود در مطلع کار قرار گرفت و این آغازی شکوهمند و پر دامنه، برای شعر عاشورایی بود» (صفا، ۱۳۵۵: ۴۵۶).

به عبارت دیگر، شاعران پارسی‌گوی در این دوران، به سرودن مرثیه‌های مذهبی، در قالب‌های مختلف شعری به منظور حفظ و پاسداشت مقام و کرامت والای شهیدان عرصه‌ی کربلا پرداختند. مقارن با این قرن، عده‌ای از شاعران شیعی عرب، در سرزمین‌های عربی، به سرودن شعرهایی در بیان مناقب و فضایل شهدای کربلا، روی آوردند. و این امر سبب گردید، بسیاری از شاعران ایرانی و چکامه‌سرایان عرب، به ایراد مضامین شعری مشترک، در سوگواره‌های خود پردازند.

### اهداف و روش تحقیق

چکامه‌های مذهبی، یکی از ذخایر عظیم فرهنگی شیعه، در میان ادیبان هر دو زبان فارسی و عربی، به شمار می‌آید که در طول تاریخ پیدایش آن، مورد توجه محققان قرار گرفته است؛ به ویژه ادبیات عاشورایی که به عنوان میراثی ماندگار و مشترک میان شاعران دو ملت مسلمان ایران و عرب بوده، و همیشه بسان چشمه‌ای فیاض، از درس آزادگی و جوانمردی، و عصاره‌ی یک فرهنگ پویا، در طول تاریخ، همواره الهام بخش ادیبان دو ملت، در آفرینش‌های ادبی و هنری بوده است؛ چرا که این حماسه‌ی عظیم، از چنان قابلیت‌ی برخوردار است که شاعران می‌توانند از این سرمشق پایان‌ناپذیر، برای بیان درس آزادی و آزادگی، عدالت، شجاعت، تفکر، ایثار و اخلاص، برای همه‌ی ملل، حرف بزنند.

از این روی، در همین راستا سولاتی که نویسندگان این مقاله در مقام پاسخگویی به آن‌ها بر می‌آیند این است که

شاعران فارسی و عربی در شعرهای خود از چه مضامین شعری مشترک، بیشتر استفاده نموده‌اند و دیگر این که از لحاظ جنبه‌های هنری و زیبایی‌شناسی کلام، کدام دسته از شاعران عرب و پارسی‌گوی به نیکی و شایستگی در این امر درخشیده‌است؛ لذا در این مقاله، سعی بر آن شده است که با نگرشی مبتنی بر شیوه‌ی تطبیقی-توصیفی و با مطالعه و بررسی چکامه‌های عاشورایی ادیبان عرب و فارس، در قرن دهم هجری، به شناخت مضامین مشترک شعری و همچنین به تفحص، به منظور پی بردن به جنبه‌های زیبایی‌شناسی و هنری این مضامین شعری، پرداخته شود.

### پیشینه‌ی تحقیق

حماسه‌ی بی بدیل عاشورا، در عرصه‌ی تاریخ، از لحظه‌ی خلق تا به امروز، منبع الهام و توجّه بسیاری از ادیبان و صاحبان فکر و اندیشه، در میان دو ملت عرب و فارس، قرار گرفته است. در حوزه‌ی ادبیات و هنر، بسیاری از اصحاب قلم و ذوق و هنر، به بازتاب این جریانات و حوادث سوزناک این روز شور انگیز، در آثار ادبی و هنری خویش، به شکل‌های گوناگون پرداخته‌اند. در این میان، در بین آثار ادبی ادیبان عربی می‌توان به کتاب وسیع احمد شبر با عنوان «أدب الطف أو شعرا الحسين» اشاره نمود، که نویسنده، در آن به جمع‌آوری تمام قصیده‌ها و چکامه‌های شاعران جهان عرب از ابتدا تا روزگار خویش، که در وصف حادثه‌ی کربلا و مصیبت‌های وارده به اهل بیت امام حسین(ع) سروده‌اند، روی آورده است. در میان محققان و پژوهشگران ادب فارسی هم می‌توان، به مقاله‌ی غلامرضا کافی با عنوان «مکتب فؤاد کرمانی در شعر عاشورایی» در فصلنامه‌ی تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰ و مقاله‌ی دیگری، نوشته‌ی اصغر بابااصغری با نام «ظلم ستیزی در شعر شیعی» در فصلنامه‌ی شیعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۶ اشاره کرد. و نیز می‌توان مقاله‌ی سید رضا حجازی و مرضیه محمدزاده «بازتاب حماسه‌ی عاشورا، در شعر بعضی از شعرای عرب زبان» فصلنامه‌ی شیعه‌شناسی، سال ششم شماره ۲۳ سال ۱۳۸۷ نام برد و همچنین مقاله‌ی ابراهیم فلاح با عنوان «بازتاب حماسه‌ی عاشورا، در اشعار برخی از شعرای عصر عباسی»، دانشنامه (ادبیات عرب)، ۱۳۹۰ از مواردی است که به وسیله‌ی محققان صورت گرفته است؛ اما در حوزه ادبیات تطبیقی و صرفاً مطابقت میان ادبیات عاشورایی فارسی و عربی می‌توان به مقاله‌ی «تجلی عاشورا و انقلاب حسینی در شعر شیعه، بررسی تطبیقی شعر حماسی-آیینی عاشورایی در گستره‌ی ادبیات عربی و فارسی» نوشته‌ی سید حسین سیدی و هوشنگ استادی، مجله ادبیات تطبیقی سال دوم، شماره ۸، سال ۸۸ و نیز مقاله‌ی دیگری، نوشته‌ی عبدالعلی آل بویه لنگرودی و نرگس انصاری با عنوان «سیمای امام حسین(ع) در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی (با تکیه بر اشعار برجسته شاعران سده‌ی اخیر)» نشریه ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹ اشاره کرد. همانطور که ملاحظه می‌شود، تاکنون در حوزه ادبیات تطبیقی و مقایسه‌ی میان مضامین شعری مشترک در ادبیات عاشورایی در قرن دهم، تحقیق و مطالعه‌ای صورت پذیرفته است؛ لذا نویسندگان این مقاله، بر جنبه‌ی نوین بودن این موضوع، از این حیث که تا کنون، تحقیقی در این زمینه، انجام نگرفته است، تأکید دارند.

### ۱-مهمترین مضامین شعری شعر عاشورایی در قرن دهم

واقعه‌ی عاشورا، به عنوان یک واقعه‌ی مؤثر، در متون ادبی ادیبان عرب و فارسی زبان، تا آنجاست که بسیاری از مضامین شعری مهم را پدید آورده است و پاره‌ای از آن‌ها، به عنوان آرمان‌های والای انسانی، در نظر گرفته شده‌اند و تعدادی دیگر، از این مضامین، به ترویج و تبلیغ اندیشه‌های والا و آموزه‌های خاص شیعه در نظم و نثر روی آورده و با استفاده از زبانی فخیم و حماسی و آیینی، به ایراد مضامین و درون مایه‌های خاص، پرداخته است از این روی «به تدریج، ساختار لفظی و معنوی و سبک بیانی خاص خود را یافت و با خلق آثار و نمونه‌های چشمگیر و قابل اعتنا، زمینه‌ی ایجاد یک مکتب شعری مستقل و الگو پذیری از آن را فراهم ساخت» (سیدی، ۱۳۸۸: ۷۷).

با مطالعه و نگاهی جامع، به گزیده سروده‌هایی از اشعار عاشورایی شاعران پارسی گو و عرب، مضامین و درون مایه‌های زیر را می‌توان برشمرد:

### ۱-۱- ظلم ستیزی

«یکی از افتخارات شیعه، این است که در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود، همواره بر مبارزه و مقابله با ظلم و ستم در تمامی شکل‌های آن پافشاری کرده است» (باباصغری، ۱۳۸۶: ۱۱۲). به تبع آن، یکی از مشخصه‌های حرکت حماسی امام حسین(ع) در عرصه کربلا، ظلم ستیزی و مبارزه با جور و ستم بوده است. در تاریخ اسلام، حرکت انقلابی امام حسین(ع) را می‌توان به عنوان اولین حرکت و جنبش جمعی شیعی، علیه ظلم و جور تلقی نمود. ایستادگی در برابر ظلم، اساسی‌ترین بنیان و ویژگی شعرعاشورایی است که درس بیداری و فریاد ظلم ستیزانه را در تاریخ، حفظ کرده است. در مرثی زبیر، شاعران فارسی گو و عرب زبان، به این مضمون پرداخته‌اند و می‌بینیم شاعران خواهان ستیز با ظلمی هستند که بر امام حسین(ع) روا داشته‌اند و در پاره‌ای دیگر از سروده‌ها می‌بینیم که ایشان، به دفاع از خاندان اهل بیت، در مقابل ظلم و ستمی که به آنان وارد شده است سخن رانده‌اند. اهلی شیرازی در وصف ظلمی که بر امام و اهل بیت ایشان روا داشته شده است می‌گوید:

ماه محرم است و لب تشنه‌ی حسین	آب بقا حرام بر ابرار کرده است
هر ناسزا که ظلم بر آل رسول کرد	خود را سزای لعنت جبار کرده است
یا مرتضی علی به شهیدان روا مدار	ظلمی چنین که چرخ ستمکار کرده است
بگشای پنجه یا اسدالله که بر حسین	روباه چرخ، حمله‌ی بسیار کرده است
اینک ظهور مهدی آخر زمان رسید	زین رایت یزید نگونسار کرده است
کلک قضا ز بهر عزا نامه‌ی حسین	اوراق نه فلک همه طومار کرده است

(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۴۷)

و یا این که وحشی بافقی، در این شعر، امام علی(ع) را ندا می‌دهد که با شمشیر ذوالفقار خویش به یاری فرزندش بیاید؛ زیرا او را بی یار و یاور می‌بیند:

یا مرتضی، حسین تو از ضرب دشمنان بنگر	که چون حسین تو بی یار و یاور است
هیئات تو کجایی و کو ذوالفقار تو	امروز دست و ضربت تو سخت درخور است

(وحشی بافقی، ۱۳۵۳: ۳۱۱).

تصاویر شاعرانه و صور خیال، هرگاه به درستی بیان شود، احساسات پاک انسانی را انتقال می‌دهد. یکی از این تصاویر، تشبیه است. وحشی بافقی با تشبیه چرخ به روباه، مابینت این دو را زدوده و بر قدرت تخیل افزوده است. در ترکیب استعاری «کلک قضا»، و «اوراق نه فلک»، جمال بیشتری بر تصویر آفریده، همچنین تناسب زیبایی در بین کلمات «کلک»، «اوراق» و «طومار» به وجود آورده است.

در میان شاعران عرب، السید حسین الغریفی (م ۱۰۰۱ هـ.ق)، در یکی از قصیده‌های خویش که آن را در رثای سالار شهیدان سروده است، با کلماتی زیبا و حماسی که جوش و خروش عرصه‌ی نبرد امام با یزیدیان را یاد آوری می‌نماید، به ظلم ستیزی امام حسین(ع) و یارانش در نبرد کربلا، اشاره می‌کند که چگونه یک تنه، در برابر سپاه دشمن مقاومت نموده‌اند:

و النَّاسُ فِي وَجَلٍ وَالْخَيْلُ فِي زَجَلٍ	قَدْ أَشْبَهَ الْيَوْمَ فِيهِمْ نَفْحَةَ الصُّورِ
وَ ظَلَّ سَبْطُ رَسُولِ اللَّهِ بَعْدَهُمْ	يُلْقَى الْجِيوشَ بَقَلْبٍ غَيْرِ مَدْعُورِ
يَكُرُّ قَرْدًا وَ هُمْ مِنْ بَأْسِهِ يَتَسَوَّوْا	مِنَ السَّلَامَةِ جَمْعًا بَعْدَ تَكْسِيرِ
وَ أَسْهُمُ الْمَوْتِ تَدْعُو نَحْوَهُ عَجَلًا	مُحَدَدَاتٍ بِمَحْتَمِ الْمَقَادِيرِ

(شبر، ۱۴۰۹، ج ۵: ۴۲)

ترجمه: مردم می‌ترسند و آن سپاهیان در حال جنب و جوش‌اند. گویا که امروز، در میان آنان بسان روز قیامت در صور دیده شده‌است. و همچنان نوهی رسول خدا، بعد از آنان، با قلبی شجاع و بدون ترس، با لشکریان دشمن روبرو می‌شود. به تنهایی هجوم می‌برد و دشمنان همگی، در برابر حمله‌های او ناتوان شده‌اند که جان سالم به در ببرند و درهم شکسته می‌شوند؛ درحالی که نیزه‌ی مرگ به سرعت، به سوی قضاوقدر های حتمی بی بازگشت روی می‌آورد.

شاعر، بایبانی حماسی و استفاده از واژگانی چون «الخیل»، «نفخه الصور»، «الجیوش»، «یکر»، «أسهم الموت»، «بأس» و... که همگی کلماتی‌اند که تداعی کننده‌ی صدای چکاچاک نیزه‌ها و شمشیرها در میدان نبرد می‌باشد، به صورت بسیار زیبایی اراده‌ی محکم امام حسین (ع) و یارانش، برای ایستادگی در برابر ظلم و ستم را یاد آوری می‌کند. و این ظلم ستیزی امام، در عبارت «یکرُ فرداً» دلالت بیشتری بر ظلم ناپذیری نفس والای ایشان دارد.

الشیخ مفلح بن الحسن بن راشد الصیمری (م ۹۰۰ هـ ق)، در این قصیده، به بیان مظالمی که بر اهل بیت (ع) در عرصه‌ی کربلا وارد شده، سخن می‌راند و ظلم ستیزی آنان و ثابت قدمی و استواری آنان را می‌ستاید:

فَشَنُّوا بِهَا الْغَارَاتِ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ أَزَالُوهُمْ بِالْقَهْرِ عَنْ إِرْثِ جَدِّهِمْ وَأَعْظَمُ مِنْ كُلِّ الرِّزَايَا رَزِيَةً فَمَا أَحْدَثَ الْأَيَّامُ مِنْ يَوْمٍ أَنْشَيْتَ بِأَعْظَمَ مِنْهَا فِي الزَّمَانِ رَزِيَةً وَلَمْ أَنْسِ سِبْطَ الْمُصْطَفَى وَهُوَ ضَامِيءٌ	وَخَصَّوْا بِهَا آلَ النَّبِيِّ وَصَمَّمُوا عِنَاداً وَ مَا شَاؤُوا أَحَلُّوا وَحَرَّمُوا مَصَارِعَ يَوْمِ الطَّفِيفِ أَدَهَى وَ أَعْظَمُ وَ لَمَّا حَدِثَ فِيهَا إِلَيَّ يَوْمَ تَعَلَّدِمُ يُقَامُ لَهَا حَتَّى الْقِيَامَةِ مَا تَمُّ يُذَادُ عَنِ الْمَاءِ الْمُبَّاحِ وَ يُحْرَمُ (شبر، ۱۴۰۹، ج ۵: ۱۳)
--	---

ترجمه: دشمنان در عرصه‌ی کربلا، از هر طرف حمله‌هایی را برپا نمودند، و این نبرد علیه آل پیامبر بود و در حمله‌ی خود مصمم و با اراده بودند. با خشم، آل نبی را از ارث خودشان محروم کردند و ستیزه جویانه هر آنچه را خواستند حرام و یا حلال کردند. و این مصیبت آل نبی از بزرگترین مصیبت‌ها است و نبردهای روز طف (عاشورا) مصیبت بار و فجیع و بزرگ بود. و در طول روزگاران تا به هنگام قیامت، هیچ مصیبت و حادثه‌ای بزرگتر از این نبوده است که باری آن مجلس عزاداری برگزار شود. و من نوهی مصطفی را فراموش نکردم؛ در حالی که او علیه ظلم و ستم می‌جنگید و از آب پاک، محروم می‌شد و بر او آب حرام می‌شد.

در این قصیده، ملاحظه می‌شود که شاعر، با بیان مصیبت‌هایی که بر امام حسین (ع) و خانواده‌اش رفته است احساس اندوه را در خواننده به غلیان می‌آورد. و در بیت آخر که به موضوع دفاع امام، از آب اشاره می‌نماید، که این عبارت می‌تواند در معنایی کنایی به کار رفته باشد و اشاره به حفاظت کردن امام از اهل بیتش، و یا به دیگر سخن، حمایت از دین مبین اسلام و یا همان فریضه‌ی مهم، امر به معروف و نهی از منکر که به خاطر آن، قیام کرده بودند اشاره می‌نماید و این امر به نحوی، به موضوع ظلم ستیزی ایشان اشاره می‌کند که از این طریق، شاعر در جستجوی پدید آوردن احساس و انگیزه‌ی مبارزه با و ظلم و ستم در میان خوانندگان است.

## ۱-۲- اسطوره‌گرایی

از دیگر درون مایه‌های شعر عاشورایی، اسطوره‌گرایی است. فولادی درباره‌ی اسطوره می‌گوید: «اسطوره مجموعه‌ای از قصه‌هایی هستند که با استفاده از بیان تصویری و استفاده از استعاره و تمثیل و تجسم پدیده‌های عالم می‌پردازد» (فولادی، ۱۳۸۵: ۲۱). بسیاری از شاعران، به دلیل تفکر قدسی مابانه‌ای که نسبت به امام حسین (ع) و یارانشان داشتند و به دلیل بعد زمانی که میان ایشان و شاعران این دوره، قرار دارد، سبب گردیده که شاعران، با نگاهی اسطوره مند، به شخصیت‌های عرصه‌ی کربلا بنگرند. بر این اساس تجسم پدیده‌ها و بیان تصاویر، در اشعار

عاشورایی، اسطوره‌های پرصلابتی را به زیبایی، ترسیم و توصیف کرده است. محتشم کاشانی با زبانی حزن آلود و بیانی هنری و مؤثر که در آن، وصف به شهادت رسیدن امام حسین(ع) را با فضایی اسطوره‌ای تجسم می‌کند، قابل توجه می‌نماید:

<p>خورشید سر برهنه برآمد ز کوهسار ابری بیارش آمد و بگریست زار گفتی فتاد از حرکت چرخ بیقرار افتاد در گمان که قیامت شد آشکار شد سرنگون ز باد مخالف حباب وار گشتند بی‌عماری محمل شتر سوار روح‌الامین ز روح نبی گشت شرمسار (محتشم کاشانی، بی تا: ۲۸۳).</p>	<p>روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار موجی به جنبش آمد و برخاست کوه کوه گفتی تمام زلزله شد خاک مطمین عرش آن زمان به لرزه درآمد که چرخ پیر آن خیمه‌ای که گیسوی حورش طناب بود جمعی که پاس محملشان داشت جبریل با آنکه سرزد آن عمل از امت نبی</p>
--	---

این‌گونه اشعار و خلق تصاویر اغراق‌آمیز، با لحن اسطوره‌ای و حماسی، به زیبایی، در مرثیه‌های بابا فغانی موج می‌زند:

<p>ای تا صبح روز قیامت ظهور تو هر ریگ کربلا شده طوری ز نور تو حضور گشته چراغ دیده‌ی تودر حضور تو حیف از ادای منطق و لحن زبورتو شد سرنگون ز باد مخالف حباب وار گشتند بی‌عماری محمل شتر سوار روح‌الامین ز روح نبی گشت شرمسار (بابا فغانی، ۱۳۵۳: ۵۵).</p>	<p>روز قیامت است صبح‌عشور تو ای روشنایی شجر وادی نجف ای با خدا گذاشته کنار از سر ای طوطی فصیح ادب‌خانه‌ی رسول آن خیمه‌ای که گیسوی حورش طناب بود جمعی که پاس محملشان داشت جبریل با آنکه سرزد آن عمل از امت نبی</p>
--	---

و نیز اهلی شیرازی در ابیات زیر با زبانی سوزناک و تفکری اسطوره‌مآبانه، در توصیف شهادت امام حسین(ع) این چنین می‌گوید:

<p>نگرفت چرخ دست کسی را به یک دم آب چرخ فلک که خاک ره او نمی‌بمرد از کنار منت کرم خاندان او پشت زال سپهر خون جگر گوشه‌اش بریخت پیوسته گر چه کار اجل صید کردن است</p>	<p>کودست صد هزار چو حاتم گرفته است خود را چنین بلند و معظم گرفته است فلک که همچو کمان خم گرفته است شیری که صد هزار چو رستم گرفته است صیدی چنین به دام فنا، کم گرفته است (اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۴۴).</p>
--	--

شاعر، با خلق تصاویر بدیع، پیوند عمیقی بین واژه‌ها بوجود می‌آورد و همین امر باعث تعالی و تأثیر گذاری شعر می‌گردد. شاعر با کمک استعاره، خیال را به اوج می‌رساند و با لطافت خاصی که به این عنصر زیبایی، می‌بخشد، آن را برای شنونده دلنشین می‌سازد. زیبایی‌های به کار رفته چون «ای روشنایی شجر»، «ای طوطی فصیح ادب‌خانه‌ی رسول» و «جگر گوشه» و «شیر»، که همگی استعاره از امام(ع) است و تشبیه «ریگ به طور»، «دیده به چراغ»، «فلک همچون کمان خمیده»، «سپهر به زال»، و ترکیب اضافی «دام فنا» به شعر غنا بخشیده است. و با تشخیص که از اشکال بسیار خیال انگیز کلام و از گونه‌های استعاره است، به زیبایی و کاملاً ملموس به اشیای پیرامون خود، روح و جان می‌بخشد، نیز در ترکیباتی مانند «سر برهنگی خورشید»، «صیاد بودن اجل» و «دست نگرفتن چرخ (کنایه از یاری

کردن))، آرایه تشخیص را به کار برده است.

در میان شاعران عرب همین عصر، می‌بینیم که شاعری همچون شیخ حسین البحرانی (م ۹۰۰ هـ ق)، در یکی از قصیده‌هایش در مرثیه نامه‌ای برای امام حسین (ع) اینچنین می‌سراید:

إِبْكَ مَا عَشْتِ لِلْحُسَيْنِ بِشَجْوِ	لَا تَرْدُ بِالْبُكَاءِ الطَّوِيلِ سِوَاهُ
فَهُوَ سِبْطُ النَّبِيِّ أَكْرَمُ سِبْطِ	فَإَزَّ عَبْدُ نَفْسِهِ وَأَسَاءُ
يَوْمٍ أَضْحَى بَكْرَبَلَا بَيْنَ قَوْمٍ	جَادُّوهُ وَأَطْهَرُوا بَغَضَاهُ
وَ هُوَ يَدْعُوهُمْ إِلَى مَنَهْجِ الْحَقِّ	وَ هُمْ فِي عِمَى الضَّلَالَةِ تَاهُوا..
يَا بَنِي الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ	مَا أَضَاءَ الصَّبْحُ وَ اسْتَنَارَهُ ضِيَاهُ
أَنْتُمْ صَفْوَةُ الْعَالَمِيِّ مِنَ الْخَلْقِ	جَمِيعاً وَ أَنْتُمْ أَمْنَاهُ

(الطريحي، ۱۳۰۲: ۴۵۵).

ترجمه: تازمانی که زنده هستی، باناراحتی تمام گریه کن. و با صدای بلندگریه کن. او نوهی نبی بود او همانند خود پیامبر بود. گویی روز قربانی بود در عرصه‌ی کربلا، میان آن گروه دشمنان با آنان به جدال برخاستند و کینه خود را نسبت به این قوم اظهار داشتند. در حالی که او آنان را به راه حق فراخواند در حالی که آنان همچنان در گمراهی سرگردان بودند... ای فرزندان مصطفی! درود بر شما باد، تازمانی که روز و شب ادامه می‌یابد. شما جماعت آل نبی، همگی برگزیده‌ترین خلق خدا هستید و شما امینان او هستید.

بدون شک، قیام امام حسین (ع) در کربلا کاری بس شگفت‌انگیز است و صاحب این حادثه شخصیتی اسطوره‌ای می‌باشد. در این ابیات عبارات و کلماتی که شاعر به کار می‌برد، همچون: «أَنْتُمْ صَفْوَةُ الْعَالَمِيِّ» و «أَنْتُمْ أَمْنَاهُ» همگی اندیشه و تصویری اسطوره‌ای از امام، در ذهن خواننده پدید می‌آورد.

و همچنین شاعر دیگری با نام الشیخ جعفر الخطی (م ۱۰۲۸ هـ ق) می‌گوید:

فِيَا وَقَعَهُ مَا أَحْدَثَ الدَّهْرُ مِثْلَهَا	يُبِيدُ اللَّيَالِي ذَكَرَهَا وَ هُوَ خَالِدٌ
لَأَلْبَسْتَ هَذَا الدِّينَ أَثْوَابَ الدَّلِيلِ	تَرْتُ لَهَا الْأَيَّامُ وَ هِيَ جَدَائِدُ

(شبر، ۱۴۰۹، ج ۵: ۷۴)

ترجمه: شگفتا از حادثه‌ای که روزگار همانند آن را پدید نیاورده است! شبها یاد آن را از بین می‌برد در حالی که آن جاودان است. لباس‌های ذلت را بر تن این دین، پوشاند روزگار آن را کهنه می‌کند در حالی که آن پیوسته، نو به نو می‌شود  
در این ابیات شاعر ابراز می‌دارد که ماجرای روز عاشورا و حوادث عرصه‌ی کربلا، در طول روزگاران کهنه نمی‌شود، با این تعبیر می‌توان گفت که شاعر به نحوی در پی اسطوره‌سازی شخصیت امام (ع) و تبدیل نمودن ایشان به چهره‌ای فرا بشری می‌باشد.

### ۳-۱- شهادت طلبی

شهادت طلبی، از ویژگی دین مبین اسلام است. اوج ایثار و از خود گذشتگی، در شهادت، متجلی می‌گردد. امام (ع) و یارانش، برای رسیدن به هدف متعالی خویش، در برابر دشمن نابکار، ایستادند و شربت گوارای شهادت را نوشیدند. شهادت امام حسین (ع) و اصحابش در معرکه‌ی کربلا، بعدها به عنوان یک فرهنگ، مورد توجه شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت، تا آن جا که ستایش شهادت و مرگ ایشان و یارانش به وسیله‌ی شاعران مختلف در ادوار گوناگون، مورد توجه قرار گرفت و به عرصه‌ی شعر و ادب نیز کشیده شد.

شاعران مرثیه‌گوی، با احساسی رقیق به این مضمون پرداخته‌اند:

آمد عشور و خاطر م افکار کرده است      درد حسین در دل ما کار کرده است

خون در درون نافه‌ی تاتار کرده است  
باور مکن که لشکر کفار کرده است  
(اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۵۷).

از صد هزار جان و جهان می‌توان گذشت  
بنهاد پای بر سر جان و ز جان گذشت  
کآزاده وار از سر جان در جهان گذشت  
این پای مزد بس که بسوی جنان گذشت  
(وحشی‌یاقی، ۱۳۵۳: ۳۱۱، ۳۱۲).

آغشته شد به خون، سر و فرقی که موی او  
ظلمی که بر حسین در اسلام کرده‌اند

یا شاه انس و جان تویی آن کز برای تو  
ای من شهید رشک کسی کز وفای تو  
جانها فدای حرّ شهید و عقیده‌اش  
آن را که رفت و سر به ره ذوالجناح باخت

عنصر مؤثر بر اشعار ذکر شده، احساس و عاطفه‌ی شاعرانه است که سبب دلپذیری بیشتر شعر گردیده است. یکی از علل جاذبه شعر، احساسات پاک و صادقانه‌ی شاعر است که سخن او را در دل‌های مستعد می‌نشانند و با تأثیر فوق العاده، نفوذ می‌دهد. نمونه‌های یادشده، از مواردی است که طی آن، احساسات شاعر دردمند و دوستدار خاندان پیامبر(ص)، بیان شده است.

در اشعار شاعران عرب نیز، به موضوع شهادت طلبی پرداخته شده است. از جمله این شاعران عزالدین الحسین بن مسعود(م ۹۱۰هـ ق) در مورد موضوع شهادت طلبی امام حسین(ع) می‌گوید:

وَعَدَا الْحُسَيْنُ يَقُولُ فِي أَصْحَابِهِ	قَوْمُوا لِحَرْبِ عَدُوِّكُمْ وَاسْتَبْشِرُوا
بَاغُوا نَفْسَهُمْ لِأَجْلِ النَّجَارَةِ الـ	أُخْرَى فَنِعْمَ جَزَاءُهُمْ وَالْمَتَجَرُّ
جَاذُوا بِإِمَامِهِمْ بِنَفْسِ	مِنْ أَنْفُسِ طَهَّرَتْ وَطَابَ الْغُنْصُرُ
وَاسْتَعَدُّوا مِرَّ الْخُتُوفِ وَجَاهَدُوا	حَقَّ الْجِهَادِ وَجَالِدُوا وَتَبَصَّرُوا

(آل کلیدار، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۵۴)

ترجمه: و حسین در مورد یارانش می‌گفت: «به نبرد با دشمن خویش برخیزید و بشارت بر شما باد. جان‌های خود را به خاطر این تجارت آخرت بفروشید؛ زیرا این تجارت شما پاداشش نیکو است و تجارت خوبی است. در برابر امامتان جان‌های ارزشمند خود را ببخشید جان‌های که پاک است و سرشت آن‌ها پاک و طاهر می‌باشد. تلخی مرگ را شیرین بیندازید و با جدیت حق جهاد را به دست آورید و پایدار باشید و صبر پیشه کنید.»

یکی از ویژگی‌های شعر مذکور، این است که شاعر، با زبانی روایتی و از زبان امام حسین(ع) به روایت گفتگوهای میان ایشان و یارانش می‌پردازد که عاشقانه، آنان را به شهادت طلبی در راه دین خدا، دعوت می‌کند که از مرگ هم نهراسند.

و شاعر دیگری با نام محمد السبعی می‌گوید:

فَقَالَ عَلِيٌّ اسْمَ اللَّهِ حَطُّوا رِحَالَكُمْ	فَلَيْسَ لَنَا أَنْ نَسْتَقِيلَ وَنَرَحَلَا
فَفِي هَذِهِ مُهْرَاقُ جَارِي دِمَائِنَا	وَمُهْرَاقُ دَمِ الْهَاشِمِيَّاتِ نَكَلَا
وَفِي هَذِهِ وَاللَّهِ تَضْحَى رَوْؤُسُنَا	مُشَهَّرَةٌ تَعْلُو مِنَ الْخَطِّ ذُبُلَا
وَفِي هَذِهِ وَاللَّهِ تُسَبِي حَرِيمُنَا	وَتُضْحَى بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَتُبْتَلَى

(الطریحی، ۱۳۰۲: ۳۲۴)

ترجمه: او گفت: «با نام خدا رحل شتران خود را بر زمین بگذارید. و ما نباید کوتاهی کنیم و کوچ کنیم. در این سرزمین خون ما ریخته می‌شود و خون خاندان هاشمی ریخته می‌شود و زنان بیوه می‌شوند و به ناله و زاری می‌پردازند. به خدا سوگند در این سرزمین، سرهای ما با افتخار بریده می‌شود و بر سرنیزه‌های خطی بلند می‌شود. به خدا سوگند در این سرزمین است که محارم به اسارت برده می‌شوند و قربانی انواع عذاب‌ها می‌شوند و به مصیبت

دچار می‌شوند.»

از جمله ویژگی‌های زیبایی این قصیده، این است که شاعر، به شیوه‌ی روایتی در شعرش روی آورده، بدین ترتیب که گویی حادثه‌ی کربلا هم اکنون در حال رخ دادن است و این شیوه روایی حوادث، از زبان شخصیت امام(ع) به زنده بودن شعر و کهنه نشدن آن، نیز دلالت می‌کند. این که امام(ع)، با افتخار و شجاعت تمام خود و یاران را به پذیرش شهادت و مرگ در راه خدا، با اشتیاق تمام دعوت می‌کند، به زیبایی شعر افزوده است.

#### ۴-۱- پاسداشت دین و سنت اسلام

اساسی‌ترین هدف امام حسین(ع)، از قیام کربلا، احیای دین و سنت جدش، پیامبر(ص) بوده است. در اشعار شاعران مرثیه‌گوی به گونه‌های مختلف به این موضوع، پرداخته شده است. شاعر از عروج مکتب حسین سخن رانده است:

آینه‌ی قبول و چراغ دل رسول	حاشا که در غبار حوادث نهان شود
اجزای خار خفته نهد روی در ذبول	فردا نظاره کن که چو خار خزان زده
عیسی فراز طاق زبرجد کند نزول	بهر عروج مهجه‌ی رایسات مهدوی
دار القضا کند چمن دهر از عدول	قاضی القضا محکمه‌ی آخر الزمان
اشیا کنند بهر قرار جهان حصول	بر لوح فصل به قانون شرع و دین

(باباغانی، ۱۳۵۳: ۵۳).

در ابیات بالا، جنبه‌های قوی و نیرومندتخیل، از جمله استعاراتی چون آینه‌ی قبول و چراغ دل رسول(امام حسین) به زیبایی آمده است. شاعر با حس شورانگیزی، از عروج شعار دین که به سبب شهادت امام حسین پا برجا شده است، سخن می‌گوید.

و شاعر دیگری با نام ابن ابی شافین البحرانی(م ۱۰۰۱هـ.ق)، می‌گوید:

مَصَائِبُ يَوْمِ الطَّفِ اُدْهَى الْمَصَائِبِ	وَ اعْظَمُ مِنْ ضَرْبِ السُّيُوفِ الْقَوَاضِبِ
تَذُوبُ لَهَا صُومُ الْجَلَامِيدِ حَسْرَةً	وَ تَنْهَدُ مِنْهَا شَامِخَاتُ الشَّنَاخِبِ
بِهَا لَبَسَ الدِّينُ الْجَنيفُ مُلَابَسًا	عَرَائِبَ سُودًا مِثْلَ لَوْنِ الْغِيَاهِبِ

(الطریخی، ۱۳۰۲: ۳۴۲)

ترجمه: مصائب و حوادث روز کربلا، از دردناکترین مصیبت‌هاست. و بزرگتر از ضربه‌ی شمشیرهای تیز و برنده. از شدت آه و حسرت، حتی سنگ‌های سفت و سخت هم ذوب می‌شوند. و کوه‌های بسیار بلند، هم آه می‌کشند. دین استوار اسلام، به واسطه‌ی این مصیبت است که لباس سیاه برتن کرده است، لباس بسیار سیاهی که رنگ آن به تیرگی‌های شب می‌باشد.

در این قصیده، شاعر با بیانی پرصلابت و میالغه آمیز این سخن را ابراز می‌دارد که دین اسلام به دلیل به وقوع پیوستن حادثه‌ی کربلا، لباس سیاه پوشیده است که این امر، سبب پایداری و حفظ دین اسلام گشته است.

#### ۵-۱- تقدس‌گرایی

یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌ها و درون‌مایه‌های شعرهای عاشورایی، در این دوره که شاعران به آن، توجه بسیار نموده‌اند تقدس‌گرایی است. آنان، سعی می‌نمایند با قرار دادن شخصیت‌های نبرد کربلا، در صحنه‌هایی روحانی و مقدس و توصیف آن‌ها، با ویژگی‌هایی چون صبر، داشتن ایمان خالص، استقامت در راه دین و.. همچنین نشان دادن شخصیت امام، با اوصافی همچون هدایتگری، و نجات‌بخش بودن و.. بر اهمیت آن‌ها بیفزایند؛ اگر چه این امر، در گذشته نیز وجود داشته است؛ اما در این دوره‌ی مذکور، این فرآیند، افزونی می‌یابد.

شاعر سوگوار، دوستدار حسین(ع) است و از هدایتگری امام، دفاع می‌کند و به هجو کسانی می‌پردازد که مسیر

هدایتگر امام(ع) را نشناسند:

بر گشته اختری که نشد آشنای تو  
باشد یقین، رضای خدا در رضای تو  
فردا که آوردند به محشر، عبای تو  
به راه بهر زیارت حرم کربلای تو  
مفتاح هفت روضه‌ی جنت عصای تو  
(باباغانی: ۴۱)

دل‌های مومنان که تنک چون زجاج بود  
اسلام بی‌حمایت و دین بی‌رواج بود  
عودی که اهل بیت نبی را سراج بود  
(همان: ۴۷)

بیگانه از خدا و رسول است تا ابد  
کردی چو در رضای خدا و رسول کار  
چندین هزار جامه‌ی اطلس قبا شود  
بر بسته رخت، کعبه و مانده قدم  
ای دست برده از ید بیضا در آستین

دردا که از ملامت سنگین دلان شکست  
یارب ز اقتسران کدام اختر سیه  
شد در هوای گرم نجف همدم سموم

به کارگیری مناسب عناصر ادبی، و سفتن در معانی کنایی، بسیار مؤثر و دلکش است. شفیع کدکنی می‌گوید: «کنایه در سخن، همانند دیگر صور خیال، نقش مهمی دارد و در شعر؛ به خصوص در انواع هجو، قوی‌ترین راه القای معانی است.» (شفیع کدکنی، ۱۳۸۳: ۱۴۸) شاعر، کنایاتی چون، بر بسته رخت (آماده‌ی رفتن) و قدم به راه ماندن (منتظر) را جهت خیال‌انگیز کردن، به کار بسته و با بیان کنایی برگشته اختر (بدبخت)، توانسته است محتوا و پیام شعر را در صورت عدم شناخت امام (ع) انتقادی‌تر سازد. شاعر، فردا را به سبب وجود تناسب با معنی اصلی آن، مجاز از قیامت گرفته است که بر تخیل کلام افزوده است. همچنین، مقام هدایتگر امام (ع) را برتر از مقام عیسی (ع) می‌داند. در «عودی که اهل بیت نبی را سراج بود» که استعاره از امام (ع) است، تلمیح زیبایی به «ان‌الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة» شده است.

السید حسین الغریفی (م) در قصیده در رثای سالار شهیدان می‌گوید:

وَفُزْتُ بِالسَّادَةِ العُبرِ المَعَاوِرِ  
جَمَعُ قَضُوا بَيْنَ مَسْمُومٍ وَمَنْحُورِ  
لِلشَّرِكِ أَلْوِيَهُ الطُّغْيَانِ وَالجُورِ  
أَكْرِمَ بِمَدْحِهِمُ كُتِبَ اللهُ مَذْكُورِ...  
فِي الذِّكْرِ مَا بَيْنَ مَطْوِيٍّ وَمَنْشُورِ  
فَذَهَبَ الرَّجْسَ عَنْهُمْ رَبُّ تَطْهِيرِ  
المَوْفُونَ خَوْفًا مِنَ البَّارِيءِ بِمَنْذُورِ  
(شبر، ۱۴۰۹، ج ۵: ۴۱)

يَا كَرَبَلَا حِزْتَ شَانًا دُونَهُ زُحْلُ  
أَيَجْمَلُ الصَّبْرُ فِي آلِ الرُّسُولِ وَهُمْ  
قَوْمٌ بِهِمْ قَدْ أَقِيمَ الدِّينَ وَانْطَمَسَتْ  
قَوْمٌ بِمَدْحِهِمْ كُتِبَ السَّمَاءُ نُزْلَتْ  
مَافَوْقَ فَضْلِهِمْ فَضَّلَ فَمَدَحُهُمْ  
فَمَنْ عَنَاهُ بِأَهْلِ البَيْتِ غَيْرِهِمْ  
وَهَلْ أَتَى هَلْ أَتَى فِي غَيْرِهِمْ فَهُمْ

ترجمه: ای کربلا! تو به مقامی رسیدی که زحل از آن، پایین‌تر است. و تو به واسطه‌ی آن بزرگان سفیدروی که درون تو نهفته شده‌اند، به سعادت رسیدی. آیا صبر در مورد آل رسول الله زیباست؟ درحالی که عده‌ای از آن‌ها مسموم شده‌اند و عده‌ای دیگر سر آن‌ها بریده شد. گروهی که دین خدا به خاطر آن‌ها برپا شده است و پرچم‌های کفر و طغیان سرنگون شد. قومی که کتب آسمانی در مدح آنان نازل شد. پس به خاطر احترام به آنان، کتب آسمانی را محترم بدان. هیچ فضلی برتر از فضل آن‌ها نیست. مدح آن‌ها، در تمامی کتب آمده است. آیا آیه‌ی «هل أتى» در مورد دیگران است. آنان از روی خوف، به واسطه‌ی خداوند، انذار داده شده‌اند.

شاعر، در این ابیات، با اشاره‌های تاریخی و قرآنی، از جمله آیه‌ی تطهیر «إِنَّمَا يُرِثُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ البَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳)، و آیه «هل أتى» (انسان/۱) به یادآوری شأن و مقام والای خاندان امام

حسین(ع) می‌پردازد.

نیز، السیدماجدين هاشم البحرانی(م ۱۰۲۸هـ ق)، در اکرام و پاسداشت مقام شهدای کربلا از جمله امام حسن(ع) می‌گوید:

وَ كُنْتَ فِيهِمْ مَكَانَ الْأَفْقِ لِلشُّهُبِ	يَا كَرَبْلَا أَيْنَ أَقْوَامٍ شَرَفَتْ بِهِم
حَتَّى تَحْجَبَ تَحْتَ الْأَرْضِ بِالْحُجُبِ	يَا كَرَبْلَا أَيْنَ بَدْرٌ قَدْ ذَهَبَتْ بِهِ
الْبَدْرَ يَخْسِفُ مِنْ حَيْلُولِهِ التُّرْبِ...	صَدَقَتْ فِيكَ كَلَامُ الْفَيْلسُوفِ بِأَنَّ
بِالشَّمْسِ نُورًا وَ هَذَا غَيْرُ مُكْتَسِبِ	فَكَيْفَ قِيلَ بِأَنَّ الْبَدْرَ مُكْتَسِبِ

(شبر، ۱۴۰۹، ج ۵: ۸۵)

ترجمه: ای کربلا! کجایند آن اقوامی که به واسطه‌ی آنان شرافت یافتی. و تودرمیان آن قوم، بسان مکانی برای طلوع شهاب‌ها بودی. ای کربلا! کجاست آن ماهی که آن را بردی؟ تا این که در زیرزمین، با حجاب‌های زمینی پوشیده شد. سخنان فیلسوف در مورد تو درست بود: «این که ماه تمام، به خاطر غبار تیره می‌شود. پس چطور گفته شده که ماه، نورش را از خورشید می‌گیرد؛ در حالی که این ماه، این گونه نبود؟» (خود این ماه خیلی نورانی بود) شاعر مرثیه‌سرا، در این قصیده، با آوردن کلمات و عباراتی چون «مکان الأفق»، «بدر» و...، که برای بیان مقام و شأن والا، به کار برده می‌شود، و نیز در عبارت «یا کربلا» استفاده، از حرف ندای «یا» که برای خطاب، به کار برده شده است، به نحوی دلالت بر عالی مقام بودن مقام امام حسین(ع) و به تبع، سرزمین کربلا دارد. و شاعر دیگری با نام الشیخ حسن النجفی(م ۹۳۰هـ ق)، می‌گوید:

أَلْ طَه يَا مَنْ بِهِم يَغْفِرُ اللَّهُ	ذُنُوبِي وَ مَا جَنَنْتُهُ يَمِينِي
لَا أَبَالِي وَإِنْ تَعَاظَمَ ذَنْبِي	يَوْمَ بَعْثِي لَكِنْ يَقِينِي يَقِينِي
كُلُّ عِزِّي بَيْنَ الْأَنْسَامِ وَ فَخْرِي	يَوْمَ حَشْرِي بِأَنْكُم تَقْبَلُونِي

(الطريحي، ۱۳۰۲: ۳۴۵)

ترجمه: ای آل طه که خداوند به واسطه‌ی آن‌ها گناهان مرا می‌بخشد و هر جنایتی که دست‌انم مرتکب شده است. دیگر اهمیتی نمی‌دهم؛ هر چند که گناهانم بزرگ باشد؛ زیرا من، یقین دارم که روز رستاخیز، او مرا حفظ می‌کند. همه‌ی عزت و افتخار من، در میان مردم، این است که شما مرا می‌پذیرید.

شیخ حسن نجفی نیز در این ابیات، اهل بیت امام حسین(ع)، را در جایگاهی می‌بیند که در مقام شفاعت هستند که به سبب واسطه‌گری آنان در محضر خداوند، گناهان اشخاص بخشیده می‌شود. که این موضوع هم نشان دهنده‌ی تقدس و مقام والای آن‌ها می‌باشد. و تمام عزت و افتخار خود را در این می‌بیند که آنان، در روز قیامت او را شفاعت خواهند کرد.

## ۶-۱- جاودانگی حماسه‌ی عاشورا

بنابر، وعده‌ی الهی «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران/۱۶۹) حیات ابدی شهیدان، رمز اصلی جاودانه بودن آن‌ها است. بنیادی‌ترین عامل جاودانگی حادثه‌ی کربلا، جوشش خون حسینی است که رمز پیروزی حق، بر باطل است.

هر گل که بر دمید ز هامون کربلا	دارد نشان تازه‌ی مدفون کربلا
پروانه‌ی نجات شهیدان محشر است	مهر طلا ببین شده گلگون کربلا
در جستجوی گوهر یکدانه‌ی نجف	کردم روان دو رود به جیحون کربلا
نیل است هر عشور به بیت‌ال‌حزن روان	از دیده‌های مردم محزون کربلا

(باباغانی، ۱۳۵۳: ۵۸)

زان هر محرم است جهان تا جهان سیاه      کسان آفتاب ماه محرم گرفته است  
تنها نه در میانه‌ی ما شور این عزاست      کاین شور در زمین و زمان هم گرفته است  
(همان: ۴۶)

عاطفه‌ی حاکم بر اشعاری که بیان شده است و نیز، احساس جانسوز شاعر، در برابر ناملایماتی که برخاندان پیامبر، وارد شده است، احساس و عواطف مخاطب را بر می‌انگیزد و توانسته است با این ویژگی شاخص شعر، فرهنگ عاشورایی را به درازای ابدیت پیوند دهد.

همین مضمون شعری را می‌بینیم که در شعر شیخ حسن الکرکی العاملی (م ۱۰۷۶ هـ.ق)، به زیبایی وجود دارد:

جُودِی بَوَصِّلِ أُمَّ بَبِینِ      فَالِیَأسُ إِحْدَى الرَّاحَتِینِ  
أُیْحِلُّ فِی شَرَعِ الهَوِی      أَنْ تَذْهَبِی بِإِدَمِ الحُسَینِ  
(شبر، ۱۴۰۹، ج ۵: ۷)

ترجمه: این بخشش را در حق من انجام بده یا ببیوند و یا جدا شو؛ زیرا یأس و ناامیدی، یکی از دو آسایش است. و آیا در آیین عشق، این حلال است که خون حسین از بین برود؟  
محمد السبعی (۱)، می‌گوید:

أُشِیعَةُ آلِ مُصْطَفَی مَنْ یَکُونُ لِی      عَویناً عَلَی رُزْءِ الشَّهِیدِ مَوْلاً  
قِفَا نَبِکَ مِنْ ذِکْرِی حَبِیبِ مُحَمَّدِ      وَ خَلُّوا لِذِکْرِاکُمْ حَبِیباً وَ مَتْرَلاً  
قِفُوا نَبِکَ مِنْ تَذْکَارِهِ وَ مُصَابِهِ      فَتَذْکَارُهُ یُنْسِی الدُّخُولَ وَ حَوْمَلَ  
وَ مَا أُنْسَ فِی شَیْءٍ تَقَادَمَ عَهْدُهُ      وَ لَأُنْسَ زَینَ العَابِدِینَ مُکَبَّلاً  
(شبر، ۱۴۰۹، ج ۵: ۲۷)

ترجمه: ای شیعه آل مصطفی! کیست که مرا در این مصیبت شهید که بسیار ملامت آور است یاری دهد؟ بایستید گریه کنیم به خاطر به یاد آوردن عزیز و حبیب محمد و به خاطر آن دیگر حبیبان و مترلا را رها کنید. بایستید، به خاطر به یاد آوردن مصیبت های او. یاد و خاطره‌ی آن، دیگر دخول و حومل را از یاد می‌برد. چیزی که زمان‌های زیادی از آن بگذرد فراموش نمی‌شود و نیز یاد و خاطره‌ی زین العابدین هم که در غل و زنجیر بود، فراموش نمی‌شود. چنانکه ملاحظه می‌کنید، در این ابیات، شاعر با آرایه‌ی زیبای تلمیح، مرثیه‌ای در وصف سوگواری امام حسین (ع) و حضرت زین العابدین (ع) سروده که آن را با بیت‌های عاشقانه‌ی معلقه‌ی امری‌القیس - شاعر عصر جاهلی - درآمیخته است و این امر، به جنبه‌های هنری و زیبایی این شعر، افزوده است.

### نتیجه‌گیری:

حماسه‌ی جاودانه‌ی عاشورا، یکی از تأثیرگذارترین موضوعاتی است که در طول تاریخ ادبیات شیعه، تأثیر عمیقی بر انواع و گونه‌های ادبی برجای نهاده است. با نگاهی اجمالی به سروده‌ها و چکامه‌های شاعران عرب و فارسی زبان، در قرن دهم، این نتایج، نمایان می‌شود که حماسه‌ی عاشورا، در ادبیات شیعی هر دو ملت عرب و فارس، در دوره‌ی مذکور تأثیرات قابل ملاحظه‌ای، از لحاظ معنایی و محتوایی و مضمون‌های مشترک شعری، بر جای نهاده است. با توجه به سوز و گدازهای موجود در چکامه‌های عاشوایی هر دو ملت، در می‌یابیم که شاعران از مضامین مشترک شعری گوناگونی چون اشاره به ظلم ستیزی‌های امام و یارانشان در کربلا، شهادت طلبی، تقدس‌گرایی، اسطوره‌گرایی، پاسداشت دین اسلام، از طریق زنده نگه داشتن یاد حوالت ناگوار کربلا، همگی از مهم‌ترین مضمون‌های شعری است که شاعران به آن توجه نمودند. همچنین اشعار عاشورایی شاعران هر دو ملت، سرشار از جنبه‌های زیبایی آرایه‌ی کلام می‌باشد، تا آن جا که زبان شعری آنان، از لحاظ جنبه‌های زیبایی کلام، با استفاده از هنرهای بیانی و بدیعی چون استعاره، کنایه، تشبیه، تلمیح و... به اوج خود می‌رسد.

### فهرست منابع:

- آل کلیدر، السید محمد حسن مصطفی (۱۳۶۸هـ ق)، *مدینه‌الْحسین*، المجلد ۲، طهران، مطبعة سپهر ایران.
- اهلی شیرازی، محمد بن یوسف (۱۳۴۴هـ ش)، *کلیات اشعار مولانا اهلی شیرازی شامل غزلیات، قصاید، ترکیبات، ترجیع-بند، قطعات نواریخ، رباعیات، ساقی‌نامه، رباعیات، معنیات، مثنوی سحرلال، مثنوی شمع و پروانه، قصاید مصنوع،* تهران، نشرسنایی.
- بابا اصغری، علی اصغر (۱۳۸۶هـ ش)؛ *ظلم ستیزی در شعر شیعی،* مجله‌ی فصلنامه‌ی شیعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۱۱-۱۴۲.
- بابا فغانی شیرازی (۱۳۵۳هـ ش)، *دیوان اشعار*، به تصحیح و اهتمام: احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات اقبال.
- حجازی، سیدعلی رضا و مرضیه محمد زاده (۱۳۸۷هـ ش)، *بازتاب حماسه‌ی عاشورا در شعر بعضی از شعرای عرب زبان،* فصلنامه‌ی علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۹۹-۲۲۱.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا، ۱۳۸۳، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران، انتشارات جاویدان.
- سیدی، حسین و هوشنگ استادی (۱۳۸۸هـ ش)، *تجلی عاشورا و انقلاب حسینی در شعر شیعه*، بررسی تطبیقی شعر حماسی - آیینی عاشورایی در گستره‌ی ادبیات عربی و فارسی، مجله‌ی ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۸، ۵۷-۹۴.
- شیر، جواد (۱۴۰۹هـ ق)، *ادب الطف، أو شعراء الحسین*، المجلد ۵، الطبعة الأولى، بیروت، مطبعة دارالمرتضی.
- غیمی هلال، محمد (۱۳۷۳هـ ش)، *ادبیات تطبیقی (تاریخ و تحول، اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی)*، ترجمه: سیدمرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۵۵هـ ش)، *تاریخ ادبیات در ایران*، چاپ دهم، تهران، انتشارات فردوس.
- الطریحی، فخرالدین بن محمد بن علی (۱۳۰۲هـ ق)، *مجالس الطریحی مجالس الفخریة المنتخب فی المراثی و الخطب المنتخب الطریحی المنخب الكبير البیاض الفخری*، تیریز، چاپخانه حاج ابراهیم ابن احمد تبریزی.
- طه، ندا (۱۳۸۳هـ ش)، *ادبیات تطبیقی*، ترجمه: هادی نظری منظم، چ اول، تهران، انتشارات نی.
- فولادی، کمال (۱۳۸۵هـ ش)، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی غرب از سقراط تا ماکیاوولی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرکز.
- محتشم کاشانی (بی تا)، *دیوان اشعار شامل رساله‌ی جلالیه، نقل عشاق، قصاید، غزلیات، مناقب، مراثی، قطعات، رباعیات، مثنویات* با مقدمه و تصحیح به کوشش: مهر علی گرگانی، تهران، انتشارات زهره.
- مظهری، مرتضی (۱۳۷۷هـ ش)، *حماسه‌ی حسینی*، چاپ سی ام، قم، انتشارات صدرا.
- وحشی بافقی، (۱۳۵۳هـ ش)، *دیوان اشعار: شامل قطعه‌ها، ترجیع‌بندها، مثنوی‌ها، خلدبرین، ناظر و منظور، فرهاد و شیرین*، ویراسته: حسن نخعی، تهران، انتشارات امیرکبیر.